

پیامدهای بحران ویروس کووید ۱۹ بر سیاست داخلی جمهوری اسلامی ایران و جامعه جهانی

رضا پریزاد^۱، مهدی طاهری کلان^۲

چکیده

شیوع همه‌گیری ویروس کرونا، وضع تازه‌ای را در جهان انسانی بوجود آورده است. از اولویت افتادن دعوای سیاسی، فروریختن دگم‌های مذهبی، آسیب‌پذیری بالقوه انسان‌ها در مواجهه با طبیعت و اهمیت بیش از پیش علم در زندگی بشر، بخشی از تغییرات و تذکرات ناشی از ورود ویروس کرونا به زندگی انسان مدرن می‌باشد. طبق آمارهای اعلامی تاکنون بیش از ۴۰ میلیون نفر در سراسر دنیا به این ویروس مبتلا شده‌اند و بیش از یک میلیون و ۱۱۵ هزار نفر نیز جانشان را از دست داده‌اند. این ویروس همچنین به محکمی برای کارآمدی و عقلانیت نظام‌ها و چهره‌های سیاسی گوناگون بدل شده است. در ایران نیز شیوع ویروس کرونا، واکنش‌های متفاوتی داشته است: برخی کرونا را گواه جدید ناکارآمدی نظام سیاسی می‌دانند، برخی نیز با نشان دادن وضعیت جوامع غربی مبتلا به این ویروس، عملکرد حکومت ایران را قابل قبول می‌دانند. مقاله حاضر با هدف بررسی تاثیرات ویروس کووید ۱۹ بر سیاست داخلی ایران و جامعه جهانی با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. سوال اصلی این است که با شیوع قابل چشم‌گیر ویروس کرونا در جهان چه تغییراتی در سیاست داخلی و عرصه بین‌الملل را شاهد خواهیم بود؟ تحلیل اطلاعات نشان می‌دهد که ویروس کووید ۱۹ تاثیرات قابل توجهی در حوزه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در عرصه نظام بین‌الملل می‌تواند داشته باشد. لذا در بعد سیاسی باعث تغییر در رویکرد و باور قدرت‌های تاثیرگذار بر نظام بین‌الملل، ایجاد فضای توطئه‌سازی، تضعیف دموکراسی و تقویت اقتدارگرایی و تغییر در حوزه نظریه‌های مهم روابط بین‌الملل شده است.

واژگان کلیدی: کووید ۱۹، سیاست داخلی، روابط بین‌الملل، جامعه جهانی

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم mtahrykklan@gmail.com

مقدمه

شیوع کرونا تاثیرات متناقضی در سیاست بین‌الملل گذاشته است؛ در حالیکه گسترش سریع آن در پنج قاره جهان نگاه ملی‌گرایانه به حل مسائل را به چالش کشیده است، عدم همکاری دولت‌ها و کشورها در بلوک‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا باعث گرایش برخی از دولت‌ها به داخل مرزهای ملی شده است. پاندومی کرونا نه تنها سلامت انسان و روابط اجتماعی او را تحت تاثیر قرار داده است بلکه دیگر حوزه‌های مهم زندگی را نیز دستخوش تغییر کرده است. به دلیل سرعت شیوع ویروس کرونا، قطعاً کشورها نمی‌توانند به تنهایی مسئله را به شکل کامل حل کنند. تا هنگامی که جایی در کره زمین، ویروس کرونا در میان جمعیت بزرگی شایع است و واکسن موثری برای همگان ساخته نشده است این خطر وجود دارد ویروس، بار دیگر فراگیر شود. در واقع جامعه بشری در سراسر جهان با بحرانی مشابه روبروست و هنوز نتوانسته راهی برای ریشه کن کردن بحران پیدا کند در عین حال از هماهنگی گسترده برای جلوگیری از گسترش بحران نیز خبری نیست (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۳۴).

پیش از اینکه بحران کرونا آغاز شود بسیاری از اهالی سیاست معتقد بودند که سال ۱۳۹۹ سال سختی خواهد بود. اکنون اوضاع پیچیده‌تر شده و علاوه بر تحریم‌ها و فشارهایی که سیاست خارجی و داخلی کشور را درگیر کرده است ما با عواقب اقتصادی کرونا هم روبرو هستیم. اگرچه تمامی کشورهای جهان درگیر این تنش سیاسی و اقتصادی پس از کرونا هستند اما در ایران به دلیل تحریم‌ها این تنش‌ها شدیدتر خواهد بود. دوران پساکرونا دوران سختی هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاست داخلی خواهد بود. البته این مسائل در تمامی جهان رخ خواهد داد. اما با توجه به اینکه مشکلات اقتصادی مانند تحریم‌ها داریم با مشکلاتی بیشتر روبرو خواهد بود.

در عین حال تحریم‌های آمریکا و فشارهای سال‌های اخیر باعث شده جامعه ایرانی در مقایسه با بسیاری از کشورها از قدرت تاب‌آوری بیشتری برخوردار باشد. کما اینکه با توجه به کاهش تقاضای جهانی در بازار نفت ایران کمترین آسیب را از این مقوله در مقایسه با سایر تولیدکنندگان خواهد دید. از جهاتی می‌توان کرونا را یکی از تاثیرگذارترین پدیده‌هایی دانست که صورت‌بندی و ساختار روابط بین‌الملل را دچار دگرگونی کرده است. فراگیر شدن این ویروس و عکس‌العمل جهانی در قبال آن ابعاد مختلفی داشته است. با این حال هنوز قضاوت در مورد اثرات دقیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن ممکن نیست. پاندومی کرونا نقطه عطفی در سیاست‌های کشورهای جهان خواهد بود از یکسو شاهد هراس برخی کشورها از دیگر کشورها و حرکت به سوی ملی‌گرایی تقویت شده در این سال‌ها هستیم و از سوی دیگر شاهد همکاری‌های بین‌المللی برای نابود کردن این ویروس هستیم (مقتدر، ۱۳۸۵: ۱۴).

کرونا آزمون جهانی بزرگی است برای آنکه میزان کارآمدی جهانی‌سازی را نشان دهد و آن را از یک مسئله سیاسی محض به یک پدیده مورد سنجش در جهان واقع تبدیل کند. ظهور ناگهانی کرونا در بیش از ۲۰۰ کشور جهان در کمتر از صد روز بدون توجه به مرزهای جغرافیایی و سیاسی بر ابعاد جهانی‌سازی تاثیر جدی گذاشته است. بسیاری از تحلیل‌گران مسائل بین‌المللی معتقدند که نظم چند دهه‌ای ساختار بین‌المللی در این دوره دچار تغییر خواهد شد. احتمالا در دوره پس از مهار کرونا شاهد اهمیت دوباره مرزها و تشدید نظارت‌های ملی خواهیم بود که در نهایت به کمرنگ شدن روند جهانی‌سازی منجر می‌شود. بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند که هنوز نمی‌توان اثرات پاندمی کرونا را بر سیاست‌های جهان پیش‌بینی کرد تاثیرات سیاسی پس از آشکار شدن تاثیرات اقتصادی نمایان خواهد شد تاکنون کرونا باعث افزایش نابرابری اقتصادی، بیکاری، بدهی و فقر شده است. باید دید این پاندمی تا چه زمانی ادامه خواهد داشت و کشورها تا چه حد موفق خواهند شد، لطمات وارده توسط این بیماری را جبران کنند (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲).

۱- کووید-۱۹ و آینده سیاسی نظام بین‌الملل

مطالعاتی که هافستد درباره ابعاد فرهنگی و اجتماعی انجام داده است، بر ارزش‌های مربوط به کار خود را نشان می‌دهد. هافستد معتقد است که هر فردی در طول زندگی خود دارای برنامه‌ریزی‌های مختلفی می‌باشد که از بدو کودکی آن را فراگرفته و در دوره دانشگاه و تحصیلات عالی به آن ارتقاء می‌بخشد. این اندیشمند معتقد است که ارزش‌های مذکور جهانی نیستند بلکه بیشتر در سطح ملی خود را نشان می‌دهند. در سطح ملی مهم‌ترین ارزش‌های مورد تاکید هافستد به اینگونه می‌باشند.

۱- فردگرایی در برابر جمع‌گرایی؛ ۲- فاصله قدرت؛ ۳- اجتناب از تردید و دو دلی؛ ۴- مردگرایی در مقابل زن‌گرایی و نگرش بلندمدت در مقابل نگرش کوتاه‌مدت. در بحث مربوط به کرونا که امروزه یکی از پرسر و صداترین مسائل مورد پژوهش است یکی از فاکتورهایی که هافستد در مورد آن صحبت کرده است، خویش‌ن‌داری افراط‌گرایی می‌باشد که در این‌جور مواقع دولتمداران به آن نیازمند هستند. نگرش افراط‌گرایی دانست که بر میزان شاد بودن مردم جامعه، کنترل زندگی، اوقات فراغت از کار و آزادی تمرکز دارد. در جوامعی که مردم افراط‌گرا هستند، زمان بیشتری برای تفریح سپری می‌کنند، روابط دوستانه بیشتری دارند، احساسات هر شخص بسیار مهم و نگرش آنها به مسائل زندگی مثبت است. در نقطه مقابل، جوامع خویش‌ن‌دار معرفی می‌شود. در این جوامع، مردم بیشتر براساس عقل تصمیم‌گیری می‌کنند، دید آنها به

مسائل جامعه و غریبه‌ها منفی است، زمان استراحت اهمیت بسزایی ندارد؛ صرفه‌جویی ارزش محسوب می‌شود و پایبندی به اصول و عهد اهمیت دارد.

این نگرش با شیوع ویروس کووید-۱۹ در بعد کلان و در سطح دولت‌های درگیر با این معضل خود را به شکل چشم‌گیری نشان داده است. بدینگونه که اگر بخواهیم فردگرایی هافستد را دیکتاتوری بدانیم امروزه با کم‌رنگ شدن نیروهای حافظ صلح این روند در حال شکل‌گیری برخلاف انتظار مجامع علمی می‌باشد. و اینکه قدرت‌های بزرگ باتوجه به توسعه و شیوع ویروس کووید-۱۹ فاصله قدرت خود را به منظور بهتر کردن اوضاع از طریق همکاری بین‌المللی کمتر کرده‌اند و این مسئله به نوبه خود باعث می‌شود که در صورت ادامه آن جهان به سمت چندقطبی سوق پیدا کند. به همین خاطر می‌باشد که در ادامه پژوهش به بررسی تغییرات سیاسی که در زمان بحران کرونا در نظام بین‌الملل باتوجه به فرهنگ موجود در این نظام ایجاد شده است می‌پردازیم.

۱-۱- تغییر الگوی رفتاری و فکری قدرت‌های بزرگ

ویروس کووید ۱۹ باعث خواهد شد که در حوزه فکری و رفتاری قدرت‌های بزرگ در آینده تغییراتی اساسی ایجاد شود. درحالیکه در سال ۲۰۲۰ رقابت بین چین و آمریکا نمودها و نمادهای متنوعی پیدا کرده است. درهم نوردیدن ویروس کرونا از نقطه شروع چین و انتشار ویروس جهش یافته کرونا در چند قاره، و تحمیل سیاستگذاری برای ایزوله کردن و قرنطینه‌خانی بر برخی از ایالات آمریکا، سویه جدیدی به رقابت قدرت‌های بزرگ از جمله به آمریکا و چین بخشید و اسطوره شکست‌ناپذیری آمریکا ترک‌هایی برداشت و واقعیت‌ها نشان داد که آمریکا بعنوان یک قدرت اثرگذار و نفوذناپذیر در انتشار ویروس، به قدرت نفوذپذیر از پاندمی ویروس کرونا تغییر چهره داد. کاهش اعتبار اتحادیه اروپا در واکنش موثر در قبال کرونا و انفعال و رها کردن ایتالیا و اسپانیا در چمبره بیماری و در نتیجه با تداوم این رویه، در آینده نه چندان دوری، در نظام معرفتی و شناختی اروپایی‌ها تغییرهایی به سوی تقویت ناسیونالیسم و تقلیل تعهد در قبال اتحادیه‌ها، شکل خواهد گرفت. البته در نگاهی دیگر چنانچه در قسمت تأثیر تئوری‌ها در حوزه روابط بین‌الملل یاد خواهد شد، بعضی از صاحب‌نظران از برآیند تغییرهای جهانی چنان نتیجه گرفته‌اند که در پسا کرونا احتمال افزایش همکاری‌های بین‌المللی در صورت افول نسبی نقش‌آفرینی آمریکا دور از انتظار نخواهد بود. چراکه این طرز فکر و سبک فکری در نظام بین‌الملل توسعه پیدا می‌کند که نسبت به تردیدها و بدبینی‌های قبل از کرونا که این آیتم مورد تاکید هافستد نیز می‌باشد، بازنگری کلی ایجاد کنند و مشکلات مهم خود را از طریق همکاری و ایجاد ائتلاف حل‌وفصل کنند. البته شایان ذکر است که با افول قدرت بلامنازعه آمریکا و خدشه‌دار شدن رویه

شکست‌ناپذیر بودن آن این احتمال نیز وجود دارد که جهان به سمت چندقطبی سوق پیدا کند و چین در کنار روسیه خود را سهامداری از اصول نظام بین‌الملل بدانند (Blumenthal, 2020: 8-1).

۱-۲- تغییر در نظام بین‌الملل و نظریه‌های سیاست خارجی

مهم‌ترین اثری که ویروس کووید-۱۹ در سطح بین‌المللی برای کشورها ایجاد کرد تغییر دیدگاه‌هایی بود که نظریه‌های روابط بین‌الملل درصدد بررسی سیاست خارجی کشورهای گوناگون بودند. برای مثال جان آلن مدیر اندیشکده بروکینگز بر نظریه تغییر شکل ساختار قدرت در نظام بین‌الملل و افزایش بی‌ثباتی در دنیا تأکید نموده یا فردی به نام دالیا داسا کایه از مدیران یکی از مراکز سیاستگذاری عمومی دیدگاهی درباره اثر کرونا بر وضعیت سیاسی خاورمیانه، بر موضوع بحران سلامت بر اثر عفونت کرونا در محیط آسیب‌پذیر اورگان لیبیایی، یمنی، سوریه و بر تنش در روابط ایران آمریکا و اعمال سیاست فشار حداکثری در پناه کرونا، احتمال همکاری‌های فنی بین ایران و امیرنشین‌های حوزه خلیج فارس در مهار اپیدمی کرونا و ... در واقع بر اثرپذیری شدید خاورمیانه در فردای رخت بر بستن کرونا از جهان تأکید می‌نماید. و یا اینکه اندیشمندان در حوزه روابط بین‌الملل به این نتیجه دست یافتند که نظریه واقع‌گرایی که یکی از مهم‌ترین نظریه‌های حوزه روابط بین‌الملل است در بررسی و تحلیل مشکلات و مسائل ایجاد شده در نتیجه ویروس کووید-۱۹ ناقص است و دلیل آنها هم این است که هیچ واقع‌گرایی نظیر مرشایمر به منظور رسیدن به یک جامعه مطلوب به شهروان یک کشور پیشنهاد نمی‌دهد که در خانه بماند و کارهای خود را در آنجا انجام دهد (Walt, 2020: 1-2).

۱-۳- توسعه اقتدارگرایی و تضعیف دموکراسی

پیش‌بینی می‌شود در برخی مناطق جهان از جمله در خاورمیانه در صورت وسیع‌تر شدن شکاف بین سیاست‌های حکومتی در قبال کرونا و انتظارات اجتماعی در افکار عمومی که در شبکه‌های اجتماعی پردازش می‌شود حکومت‌های چون مصر به رویه رایج اقتدارگرایان در سرکوب روی آورند. انحراف توجه مجامع بین‌المللی و نهادهای غیردولتی فرامرزی و محدودیت‌های آمد و شد گروه‌های صلح، در کوتاه‌مدت سبب فشار و قطع امید از یک نیروی حامی بر گروه‌ها و جریان‌های زیر فشار در دنیا شده است. همچنین، در پس بحران کرونا انتخابات در سریلانکا، بولیوی، مجارستان به تعویق افتاد و حتی گمانه‌زنی‌ها نشانگر آن بود که آمریکا با تخلیه برخی از پایگاه‌ها و انتقال آنها به عین الاسد و حریر در عراق درصدد انجام یک کودتای خاموش برضد دولت شیعی و حامیان منطقه‌ای آن در بجنوبه بحران کرونا است. همچنین برخی دولتمردان در دنیا

ممکن است از سایبان کرونا برای تأخیر و کم اثرسازی فشار بر خود استفاده ببرند مثل نتانیاهو که محاکمه وی تاکنون، به خاطر مفاسد اقتصادی به عقب افتاد (واعظ، ۱۳۹۹).

۴-۱- نگاه‌های توطئه محور در تحلیل چرایی و چگونگی پاندمی شدن ویروس کووید-۱۹ در دنیا
در زمینه بحران جهانی کووید-۱۹، تئوری‌های توطئه در سایت‌های خبری دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی بنحو قابل چشم‌گیری توسعه پیدا کرده است. این در حالی است که فعالیت شبکه‌های اجتماعی و ایجاد تبلیغ یک بحث تازه نمی‌باشد اما این روزها با شیوع این ویروس کووید ۱۹ مسائل تبلیغاتی و متهم کردن یکدیگر یکی از جذاب‌ترین موضوعاتی می‌باشد که شاهد آن هستیم. که باعث تقویت شایعات، اطلاعات نادرست، توطئه‌ها و دروغ‌های آشکار می‌شود. برای دولت‌هایی که به دنبال ایجاد اعتماد و ارتباط واضح هستند، این یک کابوس است. برای کسانی که به دنبال ایجاد هرج و مرج و شک هستند، این فرصتی است (Thomas, 2020: 5-1).

۲- آثار ویروس کووید-۱۹ بر سیاست داخلی و روابط بین‌الملل

هرچند ارزیابی قطعی آثار و پیامدهای بحران کرونا بر سیاست داخلی و روابط بین‌الملل، نیازمند زمان بیشتری می‌باشد، اما نکته‌ای که اکثریت صاحب‌نظران بر آن اتفاق نظر دارند، این است که با پایان بحران کرونا شاهد جهانی با شاخص‌ها و مولفه‌های جدیدی خواهیم بود. برخی از موسسات پژوهشی و محققان اتریشی نیز با طرح دیدگاه‌های خود نسبت به شرایط جهان پس از بحران کرونا به گمانه‌زنی پرداخته و به پیش‌بینی پیامدهای بحران همه‌گیری کرونا پرداخته‌اند. دیدگاه‌های مطرح شده از سوی آنان را می‌توان در سه محور اصلی زیر تقسیم‌بندی نمود:

۲-۱- آینده جهانی شدن (خاص گرایی یا عام گرایی)

زوریگت داشدورج^۱ از پژوهشگران مرکز اقتصاد اتریش^۲ در مقاله خود با عنوان «نسخه نوینی از جهانی‌سازی در حال شکل‌گیری است»، تأکید نموده که روند معکوس جهانی‌سازی در حال شکل‌دهی به یک دوره جدید در اقتصاد و سیاست بین‌الملل است. وی با طرح این پرسش که آیا جهان واقعا روند معکوس جهانی شدن را در پیش گرفته است یا پدیده‌های نوین تنها تاثیرات یک رکود بزرگ می‌باشند؟ از آمریکای شمالی و اروپا

¹ Zorigt Dashdord

² Austrian Economics Center

بعنوان پرچمداران اصلی جهانی شدن یاد نموده و تاکید داشته فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این امکان را برای غرب فراهم آورد تا به دور از هرگونه مناقشات سیاسی و ایدئولوژیکی بتوانند تمامی پتانسیل‌های موجود در جهان را با ایدئولوژی خود همراه سازند. در همین دوره برای غرب این امکان فراهم آمد تا به دور از ترس و تهدیدهای موجود در زمان اتحاد جماهیر شوروی، مرزهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود را باز کرده و قوانین اقتصادی و بین‌المللی جدید و آزادتری را پایه‌ریزی نمایند. دیدگاه باز ایجاد شده در فضای اقتصادی سبب گردید تا شرکت‌ها امکانات جدیدی به دست آورده و رقابت نیز بین آنان تقویت شود. همزمان صنایع بزرگ محل تولید را به مناطقی منتقل ساختند که به لحاظ هزینه نیروی کار انسانی، ارزان‌تر بود. این تغییر مکانی برای شرکت‌ها و صنایع، بخش‌های بزرگی از ایالات متحده را که تا قبل از آن مکان اصلی تولیدات آمریکا بودند، را به شهرهای مردگان تبدیل کرد. پژوهشگران دلایل گوناگونی را ذکر می‌کنند، بعنوان مثال برخی معتقد هستند که توافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی اسباب این رکود را فراهم آورد، دیگران معتقد هستند که الحاق چین به سازمان تجارت جهانی مسبب این روند شد و برخی نیز معتقدند که این تغییرات برای خو گرفتن با فضای نوین اقتصاد جهانی و آموختن درس‌های جدید نیاز بود (مشیرزاده، ۱۳۸۵). با این حال یکی از مشکلاتی که در روند جهانی شدن ایجاد شد، توسعه فقر در کشورهای پیشرفته و صنعتی و بردن

۱۳

مشاغل به دیگر کشورها بود. نکته قابل توجه این است که جهانی شدن بیشترین سود را برای کشورهای در حال توسعه داشته است. تنها در چین بیش از ۸۵۰ میلیون نفر از فقر نجات یافتند. بیشتر کشورهای در حال توسعه توانستند در این زمان سودهای کلانی را کسب کنند و اقتصاد خود را نجات دهند. با این وجود باید توجه داشت که جهانی شدن، سبب جابجایی‌های بسیار مکانی و شغلی در میان کشورهای در حال توسعه نیز شده است. در این میان به نظر می‌رسد که چند کشور مسیر کاملاً متفاوتی را پیش گرفته‌اند. بعنوان نمونه ژاپن غالباً به شدت تحت تاثیر نفوذ خارجی تلقی می‌شود و با وجود تلاش برای همراهی با جریان جهانی شدن، مردم ژاپن هنوز بر خرید از بازار داخلی تمرکز دارند (Dashdorj, 2020: 10).

مثال ژاپن نشان دهنده نسخه متفاوتی از جهانی شدن است که همزمان با حفظ سنت‌ها و ساختارهای داخلی، به رشد اقتصادی نیز توجه ویژه داشته است. مدل ژاپنی، که در آن محصولات صادر می‌شوند اما دسترسی به بازارهای محلی و جنبش کارگری محدود است، می‌تواند آینده کشورهای غربی باشد. این به معنای پایان جهانی شدن نیست، فقط شکل دیگری با تأکید بیشتر بر تجارت و سرمایه‌گذاری نسبت به نیروی کار ظاهر می‌شود. شونبورن^۱ اسقف اعظم وین و کاردینال کلیسای کاتولیک اتریش معتقد است که امروز بحران کرونا

¹ Univ. Prof. Dr. Heinz Gärtner

جهان را مجبور به مرور و ارائه باز تعریف در مورد جهانی‌سازی کرده است و این بحران را یک فرصت برای راستی‌آزمایی بسیاری از مفاهیم شکل گرفته در سطح سیاست و روابط بین‌الملل دانست. او از بحران کرونا بعنوان امتحان الهی یاد کرد که به دنبال آن انسان نیازمند بازنگری به عملکرد خود در سطوح مختلف زندگی فردی و عمومی خواهد شد. وی این بحران را همچنین فرصتی مناسب برای درک شرایط مردم آسیب دیده در مناطق مختلف جهان دانست و با اشاره به مردم و آوارگان سوری، آنان را یکی از مصیبت زدگان جهان مدرن که در چنگال تروریسم افتاده‌اند، معرفی کرد (Kardinal Schönborn, 2020).

۲-۲- امنیت بین‌الملل (رقابت یا توسعه همکاری‌ها- شروع دوره جدیدی از جنگ سرد با چین)

اگرچه مدیریت بحران کرونا بیشتر بر روی آثار اپیدمیولوژیک و اقتصادی متمرکز است، اما پیامدهای آن در حوزه سیاست و امنیت بین‌الملل نیز باید مورد توجه قرار گیرد. ارزیابی این آثار هنوز در مراحل ابتدایی هستند اما احتمالاً شاهد تأثیرات بنیادین در این زمینه نیز باشیم. پژوهشگران موسسه حفظ صلح و مدیریت مناقشات آکادمی نظامی وین، در ویژه‌نامه آوریل ۲۰۲۰ خود، آینده جهان را پس از فروکش کردن مرحله حاد کرونا در سه سناریو طبقه‌بندی نموده‌اند:

۱۴ نخست، که شاید محتمل‌ترین سناریو راهبردی باتوجه به شرایط کنونی و شرایط قبل از شیوع ویروس است، ادامه روندهایی است که قبل از شروع بحران نیز در حال شکل‌گیری بودند که شامل تداوم در منازعات چندقطبی، تضعیف بیشتر سازمان‌های بین‌المللی، نظام‌های چندجانبه‌گرا و نظام سیاسی و فرهنگی اروپایی است که به لحاظ توانایی و عملکرد با تضعیف جدی روبرو بوده‌اند و تأثیرات آن در محدوده اروپا به وضوح قابل رویت بودند.

دوم، آنکه چنانچه شیوع بیماری امکان ایجاد زیرساخت‌های مثبت و مفید را فراهم آورد، در این صورت با مجموعه‌ای از رفتارها و همکاری‌های چندجانبه میان کشورها در چارچوب نظم بین‌المللی و با هدف حل مناقشات بین‌المللی روبرو خواهیم بود. با این وجود تجربه تاریخی ثابت کرده است که در چنین شرایطی، خوش‌بینی‌ها هیچگاه درست از آب در نیامده‌اند و نباید به خروجی مثبتی امیدوار بود.

سوم، و در بدترین حالت این است که جهان و بویژه اروپا می‌بایست خود را برای یک دوره جنگ سرد جدید اما این بار میان ایالات متحده آمریکا و چین و متحدین آنها آماده کند. از سوی دیگر بسیاری از کشورها برای حفظ منافع خود در چنین شرایطی، رو به ملی‌گرایی می‌آورند و تبعات منفی چنین روندی در حوزه امنیت، اقتصاد و سیاست بین‌الملل منعکس خواهد شد. علاوه بر این، باید در نظر داشت که فارغ از کووید ۱۹، چالش‌های ساختاری مانند تقابل استراتژیک جهانی بین ایالات متحده و چین، درگیری‌های منطقه‌ای و

همچنین خطرات امنیتی داخلی مانند حملات سایبری، خاموشی و قطع منابع برق و آب، مهاجرت یا تروریسم همچنان باقی مانده و در زمان همه‌گیری کرونا تشدید می‌شود (Gen, Major & Frank, Johan, 2020:123).

۳-۲- همکاری‌های منطقه‌ای (همگرایی یا واگرایی در اتحادیه اروپایی)

والتر فایشتینگر^۱، ریاست سابق موسسه تضمین صلح و مدیریت مناقشه آکادمی ایالتی دفاع وین با اشاره به شرایط حساس اتحادیه اروپا، همبستگی را در اروپا در خطر فروپاشی می‌بیند و معتقد است کرونا بر روابط داخلی و خارجی کشورهای اروپایی نیز تاثیر بسزایی خواهد داشت و مناسبات گذشته را دستخوش تغییرات جدی کرده است. وی در خصوص اقدامات کشورهای همچون چین و آمریکا برای مقابله با بحران کرونا، با انتقاد از تکروری و عدم هماهنگی بین این کشورها در شرایط بحران، عملکرد این کشورها در این زمان حساس را سبب ایجاد مشکلات و بحران‌های بعدی می‌داند.

دبیرخانه موسسه حوزه دانوب و اروپای مرکزی مستقر در وین اتریش در ویژه‌نامه آوریل ۲۰۲۰ خود گفته است که بحران کنونی ناشی از همه‌گیری کرونا، ضعف اساسی ساختاری دولت‌ها بویژه در اروپا را آشکار کرد، از سوی دیگر کشورهایی را نیز می‌توان مشاهده کرد بویژه در منطقه دانوب مانند اتریش، که تمهیدات و ۱۵ اقدامات صورت گرفته در آن، بیش از حد نیاز بوده با اعمال محدودیت‌ها کشور را به حالت مرگ موقت کشاندند (Gärtner, 2020).

مساله همبستگی در اروپا هم اکنون بیش از پیش شکننده است و برگزیت می‌تواند مثالی عملی برای کشورهای زیادی در اروپا باشد. از این رو فروپاشی اروپا حتی در سطح اذهان عمومی، یکی از خطرات جدی به شمار می‌آید. اما اگر در تاریخ کمی عقب‌تر برگردیم و به زمان جنگ جهانی اول نزدیک شویم، شاید زمان آنفولانزای اسپانیایی بهترین مثال برای مقایسه با شرایط کنونی باشد. در طول و بعد از جنگ جهانی اول شیوع این ویروس، ظهور ملی‌گرایی افراطی و فاشیسم را به همراه داشت. باتوجه به این موضوع که منازعات بین کشورها در سطح زمان جنگ جهانی اول و دوم نیست، با این وجود عدم همکاری بین کشورها و همچنین تفاوت‌های بنیادین در نوع عملکرد و همچنین شرایط اقتصادی متفاوت بین کشورها، سبب جدایی بیشتر میان آنان، عدم همبستگی و در نهایت رکود اقتصادی همه‌جانبه شود. ذکر این نکته نیز مهم است که در سال‌های اخیر شاهد جنبش‌ها و رویکردهای ملی انزواطلب در برخی کشورهای اروپایی و غیراروپایی بوده‌ایم

¹ Walter E. Feichtinger

که این جنبش‌ها در زمان پسا کرونا به شدت افزایش خواهند یافت (Gen, Maj and Feichtinger,)
(Walter, 2020: 9-10).

در دوره پسا کرونا، بدون شک شاهد یک اختلال بزرگ در تمامی زیرساخت‌های جهانی خواهیم بود بویژه رکود اقتصادی بی‌سابقه که در پیش‌رو است، تاثیر مستقیم بر سیستم سیاسی جهانی خواهد گذاشت. اتحادیه اروپا می‌بایست خود را برای یک رکود اقتصادی آماده کند و با وجود تلاش اتحادیه برای ایجاد یک صندوق اروپایی برای احیاء اروپا پس از بحران کرونا، از هم اکنون شاهد جدایی نگاه‌ها و عملکرد کشورها در ایجاد این صندوق هستیم. همچنین تفاوت در توانایی اقتصادی کشورهای عضو سبب مهاجرت‌های اجباری در محدوده اروپا خواهد شد و با بحران‌های جدیدی همچون فرار مغزها و بدهی کشورها به یکدیگر و تولد یونان‌های جدیدی مواجه خواهیم شد، که خود سبب ایجاد شکاف بیشتر همبستگی و یکپارچگی اروپایی خواهد شد. نتیجه نشست اخیر ویشه گراد نیز، گویای این مطلب است که اروپا با بحران عدم هماهنگی و یکپارچگی روبرو است (Schäferm, Sebastian & others, 2020: 1).

باتوجه به مطالب مذکور می‌توان بیان نمود که همه‌گیری کووید ۱۹ جهان را بطرز چشمگیری تغییر داد. تعجب‌آور نیست اگر گفته شود که این اتفاق یک نقطه عطف در تاریخ برای ایجاد یک نظم جدید جهانی است. با در نظر گرفتن اثرات بیماری کووید می‌توان گفت که به اندازه یک جنگ بزرگ دگرگونی ایجاد کرده است. بسیاری از قوانین، مقررات، رسوم، عادات، سبک زندگی، مشاغل و ساختارها به دلیل همه‌گیری تغییر کرده است. بحران کرونا در مرحله اول یک بحران در حوزه سلامت عمومی است که زندگی و رفاه مردم در سراسر جهان را تهدید می‌کند. اما علاوه بر تهدید برای سلامت و زندگی افراد و جوامع، بحران جاری منبع چالش‌های بزرگ اقتصادی - اجتماعی و نگرانی‌های امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی نیز است.

براساس اعلام صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در سال ۲۰۲۱ نیز همانند سال ۲۰۲۰ اکثر اقتصادها در مناطق مختلف جغرافیایی، رشد منفی خواهند داشت و یا در بهترین حالت، از رشد بسیار پایینی برخوردار خواهند بود. بسیاری از مشاغل و شرکت‌ها ورشکسته شده، یا با چالش‌های جدی دست به گریبانند. میلیون‌ها شغل از بین رفته و خانواده‌های بیشتری در سراسر جهان در معرض فقر و نااطمینانی نسبت به آینده قرار می‌گیرند. بزهکاری، خشونت و ناامنی از پیامدهای مستقیم اوضاع همه‌گیری است. برای اولین بار در بعضی از کشورها، بعنوان مثال در مکزیک، مقامات حکومتی با هدف کاهش خشونت‌های خانگی در دوره قرنطینه، قانونی سختگیرانه برای جلوگیری از خرید و فروش و نوشیدن مشروبات الکلی اعمال کردند.

از آثار مخرب همه‌گیری، گسترش شکاف بین فقرا و ثروتمندان و ایجاد انگیزه برای ظهور ملی‌گرایی و افراط‌گرایی است. امواج جدید ملی‌گرایی می‌تواند مشکلات داخلی و همچنین بین‌المللی ایجاد کند. این

مسئله باید جدی گرفته شود. همه اینها کارآیی و اثربخشی دولت‌ها را در معرض یک آزمون سخت قرار داده است. شکست دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در نوامبر ۲۰۲۰ تا حدودی به دلیل عملکرد ضعیف آن در مرحله اول مواجهه با همه‌گیری بود. ناآرامی‌های اجتماعی پس از مرگ دلخراش جورج فلوید ترکیبی از اعتراض به نژادپرستی و سوء مدیریت آشکار دولت در پاسخگویی به وضعیت همه‌گیری بود. در اثر همه‌گیری کووید ۱۹، جهانی جدید یا نظامی جدید در حال شکل‌گیری است. معیار اندازه‌گیری برای یک دولت موفق در جهان پس از همه‌گیری، در توانایی و انعطاف‌پذیری آن در انطباق با شرایط و پاسخ‌دهی به موقع به چالش‌ها نهفته است. در چنین جهانی ممکن است لزوماً یک قدرت بزرگ نقش پیشرو نداشته باشد ولی در مقابل، کشورهای کوچکتر با حاکمیت خوب و تصمیم‌گیری و مدیریت هوشمندانه‌تر بتوانند در جایگاه بهتری قرار گیرند.

در عین حال وضعیت همه‌گیری فرصت‌های جدیدی را نیز بوجود آورده است و پدیده‌های تازه‌ای را پیش‌روی همگان قرار داده است. همه‌گیری، شیوه‌های تعامل، آموزش و حتی دیپلماسی را تغییر داده است. اکنون دیجیتالی شدن امور بیش از هر زمان دیگری حاکم است. برای ایجاد نظم مناسب در جهان پس از همه‌گیری ابتدا بایستی درک درستی از وضعیت پیدا کرد و سپس تغییرات هوشمندانه‌ای در بسیاری از نهادها و قوانین به وجود آورد. برای موفقیت در زندگی در جهان پس از همه‌گیری، ضروری است که تخصیص مجدد منابع، بازنگری دوباره سیاست‌ها، سازماندهی مجدد ساختارها و تعریف جدید از استراتژی‌ها ارائه گردد.

در دنیای دیپلماسی اثبات شده است که دیپلماسی دیجیتال از کارایی مناسبی برخوردار است. دیپلماسی دیجیتال به کشورها و جامعه جهانی کمک کرد تا ارتباطات خود را همچنان حفظ کنند. دولت‌ها و همچنین دولتمردان توانستند ضمن حفظ ارتباط بین خود، در وقت و هزینه‌ها صرفه‌جویی به عمل آورند. آنها با بهره‌گیری از دیپلماسی دیجیتال، هزینه‌های مرتبط با روابط خارجی خود تا حدود زیادی کاهش داده‌اند. در عین حال بایستی در نظر داشت که دیپلماسی دیجیتال نمی‌تواند بطور کامل نیاز به جلسات رو در رو را برطرف کند. در بعضی از موارد دیدار حضوری بین دولتمردان و دیپلمات‌ها، اجتناب‌ناپذیر است. همانگونه که برنامه‌ریزان امور آموزش و پرورش از بازگشایی مدارس برای حفظ محیط اجتماعی شدن دانش‌آموزان دفاع می‌کنند، معتقدم که جلسات بین‌المللی نیز بایستی در اسرع وقت مجدداً احیا گردد. برقراری ارتباطات دیپلماتیک رو در رو موجب افزایش اثربخشی دیپلماسی می‌گردد.

۳- تأثیرات شیوع کرونا بر تحولات منطقه و جهان

اگرچه هنوز درخصوص موضوعات پایه نظیر منبع، نتایج احتمالی و معالجه قطعی بلای جهانی کرونا و ویروس اطلاعات کافی و قانع‌کننده‌ای در دست نداریم، در رسانه‌های بین‌المللی سناریوهای متفاوتی در رابطه با جهان پس از کرونا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. اگرچه همه‌گیری و نتایج آن در اصل یک بحث فنی خارج از دایره تخصصی نگارنده است، اما در اینجا قصد دارم برخی نکاتی را که در این رابطه در ذهن است، بیان شود.

قبل از هر چیز باتوجه به یک دلیل اساسی یعنی درصد نتایج مثبت تست شخصیت‌ها می‌توان گفت که میزان ابتلا به این ویروس در کل جهان بسیار بیشتر از ارقام ارائه شده است. این موضوع را نیز به بیانی ساده می‌توان چنین معنی کرد: اگر شخصیتی شناخته شده هستیید و از امکان انجام تست نیز برخوردارید، در این شرایط بیشتر جلب توجه می‌کنید. سرایت ویروس به طیف وسیعی از افراد شناخته شده جامعه از رهبران تا هنرمندان و ورزشکاران در بسیاری از کشورها را به شکل دیگری نمی‌توان تفسیر کرد. در حقیقت، در اوایل شیوع بیماری که شمار مبتلایان هنوز از اعداد سه رقمی فراتر نرفته بود، با اعلام مثبت بودن نتیجه تست بیش از بیست نماینده مجلس در ایران، در یکی از نوشته‌ها چنین نوشته بودم: "اگر این بیماری یک بیماری منحصر به شخصیت‌ها و مشاهیر نباشد، هم اکنون باید به ده‌ها هزار نفر سرایت کرده باشد". پس از مدتی کوتاه با گسترش این بیماری در اروپا، در این قاره نیز با وقایعی مشابه روبرو شدیم. در واقع ابتدای شخصیت‌های شناخته شده بسیاری چون نخست وزیران، وزیران، هنرمندان و ورزشکاران به این ویروس برای گمانه‌زنی درخصوص ارقام واقعی مبتلایان کفایت می‌کند.

یکی دیگر از دانسته‌های قطعی و خوشبختانه مثبت‌تر ما راجع به این ویروس این است که به‌رغم قدرت و سرعت شیوع، درصد مرگ و میر ناشی از آن چندان بالا نیست. اگر ویروس کرونا براساس ارقام تخمینی در کل جهان سبب آلودگی ده‌ها میلیون انسان شده باشد، آمار اعلام شده قربانیان بسیار ناچیز است. البته در این میان تفاوت فاحش بین آمار ارائه شده از سوی جوامع بسته و ارقام قابل ملاحظه در کشورهای غربی مشاهده می‌شود. آمار مرگ و میر روزانه ارائه شده از سوی اروپا و آمریکا حدوداً ده برابر آمار رسمی ارائه شده از طرف رژیم‌های بسته است. با این حال حتی این ارقام بزرگ نیز در مقابل مجموع موارد ابتلا نشان می‌دهد که میزان مرگ و میر ناشی از این ویروس بسیار کم است.

حال باید دید که آیا این پاندمی چنانکه ادعا می‌شود، می‌تواند سبب شکست کاپیتالیسم و تبدیل چین به قدرت جدید هژمون در عرصه بین‌الملل شود؟ و یا برای منطقه ما که از حدود ده سال پیش گرفتار انقلاب، ضدانقلاب، جنگ‌های داخلی و قیام‌های مردمی است، چه تحولاتی را در پی خواهد داشت؟ همانطور که در

بالا ذکر شد، هنوز در ابتدای این روند قرار داریم و برای ارائه تفاسیر صحیح به گذشت ده‌ها سال زمان نیاز است، اما به نظر می‌رسد که این بیماری همه‌گیر نیز مانند بحران‌های تاریخی دیگر به احتمال زیاد تنها سبب تسریع جریانات موجود و قبول سریع‌تر تحولات تکنولوژیک، اجتماعی و سیاسی جاری خواهد شد. اوج‌گیری چین، رواج تجارت و ارتباطات اجتماعی الکترونیکی، کنترل و نظارت روزافزون بر زندگی بشری با استفاده از هوش مصنوعی از جمله تحولاتی است که طی بیست سال اخیر به کرات موضوع بحث و بررسی بوده و مشاهده می‌شود. ولی با توجه به شرایط کنونی، این بیماری همه‌گیر ممکن است سبب رونق استفاده جهانی از نرم‌افزارهای چند منظوره با دامنه کاربردی وسیع از انجام امور بانکی تا نظارت بر زندگی اجتماعی نظیر وی چت شود. همچنین پسرفت سیاسی اروپا چنانکه در خلال بحران اخیر نیز مشاهده شد، دیگر تنها موضوع بحث‌های تئوریک نیست و "جنگ ماسک" و اقدامات کند کشورهای اروپایی برای مقابله و مهار این بیماری علیرغم شیوع آن، چهره‌ای از یک قاره پیر را به نمایش گذاشته است.

با بررسی تأثیرات این پاندمی در منطقه نیز می‌بینیم که وقایع موجود با سرعت بیشتری ادامه خواهد یافت. بحران‌های مدیریتی، مسائل اقتصادی، درگیرهای کوچک و بزرگ بطور فزاینده جریان خواهد داشت. همچنانکه در عراق قابل مشاهده است، تنش بین آمریکا و ایران کاهش نخواهد یافت. برعکس، با افزایش فشار بر دولت‌ها، درگیری‌هایی که به احساسات ملی‌گرایانه تکیه می‌کند، ممکن است قابل قبول شمرده شود. در مورد ایران نیز می‌توان گفت به دلیل رد درخواست این کشور برای دریافت وام از صندوق بین‌المللی پول، رهبر انقلاب با این درخواست موافقت نمود که یک میلیارد یورو از صندوق توسعه ملی برداشت نماید. این وضعیت نیز به موضوع مورد اشاره ما قوت می‌بخشد. بدتر شدن شرایط اقتصادی سخت ایران قطعی است. از همین روست که روحانی در سخنرانی‌های اخیر خود مکرراً به موضوعات اقتصادی اولویت می‌دهد (رحمانی و قاسمی، ۱۳۹۹).

یکی دیگر از تحولات مرتبط با ایران در خصوص چگونگی نمود بیشتر موقعیت و موجودیت چین در آینده منطقه بر اثر این بیماری است که بعنوان یک نشانه مهم قابل مشاهده خواهد بود. پست توییتی سرزنش‌آمیز سفیر چین در تهران در پاسخ به سخنگوی وزارت بهداشت ایران، حمایت جناح تندرو بعنوان پرچم‌داران حمایت از استقلال کشور از سفیر چین و اظهارات میانجیگرانه سخنگوی وزارت امور خارجه بسیار معنی‌دار است. حمایت از چین به حدی بود که برخی از چهره‌های جناح تندرو خواستار عزل معاون وزیر بهداشت شدند. به نظر می‌رسد این بیماری همه‌گیر سبب تسریع و تقویت روابط رو به رشد ایران و چین نیز خواهد شد (شمسینی غیاثوند و جهانگیری، ۱۳۹۹: ۳).

۴- سناریوهای احتمالی جهان و روابط بین‌الملل پس از کرونا

فراتر از مرزهای ایران، گسترش ویروس کرونا تمام کشورهای جهان را در نوردید و تقریباً همه جامعه جهانی را درگیر خود ساخت و علاوه بر تهدید سلامت و بهداشت عمومی مردم جهان، اقتصاد جهانی را با یکی از شدیدترین چالش‌ها، افت و رکود اتفاق افتاده در طول تاریخ بشر مواجه کرد. تأثیرات بحران کرونا بر حوزه‌های مختلفی از جامعه ما و مردم و کنش‌گرهای جامعه جهانی گذاشته است. چنانچه به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف روابط بین‌الملل، اقتصاددانان و جامعه‌شناسان شاید بتوان جهان را به جهان پیش از کرونا و جهان پساکرونا تقسیم‌بندی نمود. ضمن اینکه برخی دیگر معتقدند هنوز نتیجه‌گیری درباره پیامدهای جهان پس از کرونا به علت عدم دسترسی به داده‌های جامع قابل تحلیل، زودهنگام است. لذا باید بیش از این منتظر نتایج گسترش ویروس کرونا در جهان بود. اما به نظر می‌رسد سوال اساسی این است که بحران ناشی از گسترش ویروس کرونا بر جامعه ایران و کنش‌گرهای جهانی در چه حوزه‌هایی خواهد بود؟ و استلزامات ما در مقابل این آثار و پیامدها چگونه باید باشد تا بتوانیم بعنوان یک کنش‌گر بین‌المللی که دارای نقش و جایگاه خاص خود در منطقه و جهان است آمادگی مواجهه با این آثار و پیامدها داشته و بتوانیم در جهت منافع ملی مردم کشورمان آن را مدیریت کنیم؟

۲۰
اگرچه به علت عدم دسترسی به داده‌های قطعی هنوز نمی‌توان نظریه‌ای قابل آزمون را درباره ارزیابی پیامدهای جهان پس از کرونا یا پیامدهای ناشی از بحران کرونا بر روابط بین‌الملل و جهان پس از آن، ابراز داشت اما به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران بخصوص جامعه‌شناسان می‌توان احتمال وقوع سه سناریو را در جهان پس از کرونا را پیش‌بینی، مورد بررسی و مذاقه قرار داد و خود را برای مواجهه با وقوع آن آماده نمود.

۴-۱- سناریوی اول: آغاز یک جهان پلیسی و سلسله مراتبی

این سناریو ممکن است با انتخاب مجدد دونالد ترامپ رئیس‌جمهور فعلی ایالات متحده آمریکا روی دهد. در این صورت احتمال دارد روابط بین‌الملل و جهان با خطر افزایش تندروی‌های سیاسی، افزایش قدرت روزافزون چین و روسیه به مثابه دو نظام ضددموکراسی‌خواهی، افزایش خطر جنگ در خاورمیانه، دریای چین، تضعیف اروپای دموکرات و گسترش پوپولیسم از نوع ترامپ آن که ضد عدالت اجتماعی، ضد روشنفکری و ضد محیط‌زیست هستند، روبرو گردد.

۲-۴- سناریوی دوم: ادامه وضع موجود در روابط بین‌الملل

در این وضعیت، فجایعی که طی یکصد سال اخیر برای بشر؛ همچون وجود میلیاردها نفر افراد فقیر، میلیون‌ها نفر بیمار، ناتوان، گرسنه و مهاجران درمانده، هزاران تن از افراد فاسد، دزد، کلاهبردار و زورگو به مثابه مسئولان سیاسی کشورها در حکومت‌هایشان، ادامه شرایط ضدانسانی و ضد محیط‌زیست و ضد طبیعت، زندگی پرتنش و برخوردهای خشونت‌آمیز با خواست‌های مدنی مردم و گروه‌های اجتماعی، زندگی پرتجمل فرادستان با بیشترین حد از مصرف‌گرایی، و سپردن کلیدهای ارزانی به دولت‌های اقتدارمحور و غیرقابل پیش‌بینی نظیر چین و سایر موارد مشابه، وجود داشته، ادامه یافته و احتمالاً تشدید نیز خواهد شد. لذا فرمان دولت‌ها و اقتصاد بسیاری از کشورها متصل به آن خواهد بود نه منافع ملی آنها (جوکار، ۱۳۹۹).

۳-۴- سناریوی سوم: چرخش روابط بین‌الملل به سمت برابری خواهی، دموکراسی‌طلبی و آشتی

با طبیعت

احتمالاً این سناریو کمترین شانس را برای وقوع خواهد داشت. این سناریو نزدیک و شبیه آرزوی اکثریت کسانی است که معتقدند جهان پس از کرونا بیشتر یا کمتر از جهان پیش از آن، فاجعه‌بار نخواهد بود. به اعتقاد صاحب‌نظران تحقق چنین سناریویی خیالی نیست و می‌توان از یک جنبش اجتماعی و مدنی جهانی برای تحقق آن بهره جست. طلوعه تحقق چنین سناریویی نیز می‌تواند عدم انتخاب دونالد ترامپ بعنوان رئیس‌جمهور بعدی ایالات متحده آمریکا و بازگشت آن کشور به عرصه و کنوانسیون‌های جهانی و وضعیتی باشد که کنوانسیون پاریس برای اقلیم، برجام و توافق هسته‌ای و بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی با تاکید هرچه بیشتر بر دموکراتیزه کردن جهان و روابط بین‌الملل ... باشد (جوکار، ۱۳۹۹).

۵- چگونگی مواجهه ما با جهان پس از کرونا

نتیجه شدید تحریم‌های اقتصادی باید به ما آموخته باشد که در نظام بین‌المللی وزنه‌ها و عوامل موثر بر شبکه روابط اقتصاد بین‌الملل چیست و قدرت‌های تاثیرگذار کدام‌اند و ماهیت اقتصاد جهانی چیست و جایگاه ما کجاست، و برای بهبود جایگاه خویش در شبکه اقتصاد جهانی و ایفای نقش شایسته و درخور کشور ما چگونه باید عمل نمائیم. با یک حساب سرانگشتی می‌توان پاسخ‌های مناسب به این سوالات اساسی را که پاسخ به آنها در سرنوشت حداقل بیش از هشتاد میلیون جمعیت کشور ما تاثیرگذار است، یافت. لذا لازم است راه‌های رفته اشتباه در روابط خارجی مان را بازبینی و اصلاح نمائیم. این میسر نیست مگر از تندروی‌های خارجی مان

بکاهیم، نقاط ضعف‌مان را تقویت نمائیم، از فرصت‌های بین‌المللی بنحو شایسته بهره ببریم و گرنه آنکه بازنده است منافع ملی و مردم کشورمان و تحدید روزافزون این منافع خواهد بود و در نهایت خود را برای چالش‌ها و تهدیدات در روابط بین‌المللی و جهان پس از کرونا آماده کنیم. برای رسیدن به این اهداف استراتژیک، نمی‌توان در عرض چند ساعت تصمیم‌سازی نموده، آن را به منصفه اجرا گذاشت. بنابراین دستگاه دیپلماسی خارجی ما می‌تواند با مشورت دادن درست و صحیح و به روز واقعیت‌ها و حقایق در روابط بین‌کنش‌گرهای بین‌المللی و جهان و پدیده‌های جهانی، شرح منافع کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و تبیین منافع و مضار منافع ملی در برخورد با کنشگری‌های بین‌المللی نسبت به نوع مواجهه با آنها، به مسئولان تصمیم‌گیر و تاثیر بر تعدیل تصمیمات آنی آنها در جهت منافع ملی، با رهبری قوی روابط خارجی و تشکیل اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر مختلف در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و سایر حوزه‌ها با عضویت افراد متخصص، فرهیخته و دلسوز در تخصص‌های مختلف، به مدیریت روابط خارجی و دیپلماسی کشور همت گمارد (شریف‌زاده، ۱۳۹۹).

نتیجه‌گیری

۲۲

به نظر می‌رسد بخش مهمی از تاثیر بحران کرونا بر سیاست خارجی ایران، به نتایج گسترش و واکنش به این شرایط در آمریکا برمی‌گردد. اگر این وضعیت برای مدت کوتاهی مثلا تا ۶ ماه ادامه یابد، طبعا نمی‌تواند تاثیر چندان مهمی، مگر برخی تسهیل‌ها برای نقل و انتقالات دارویی و درمانی و موارد انسان‌دوستانه داشته باشد. اما در صورت تداوم آن در میان‌مدت، و بیش از یک سال، ممکن است از تشدید تحریم‌ها علیه ایران صرف‌نظر شده یا احيانا به مرور زمان، با کاهش فشار بر سایر طرف‌ها، بتدریج تحریم‌ها موضوعیت خود را از دست بدهند. اگر سیاست خارجی ایران بخواهد از این شرایط برای کاهش فشارهای تحریمی بهره بگیرد، باید ابتکار عمل‌هایی داشته باشد. این ابتکار عمل می‌تواند نخست در مورد بحران‌های منطقه‌ای موجود باشد که هزینه‌های زیادی ایجاد کرده‌اند و چشم‌انداز روشنی هم ندارند. دوم هم در مورد خود تحریم‌هاست. طبعا مسئله تحریم‌ها بیشتر به دولت آمریکا مربوط است و نوعی تاکتیک خاص می‌طلبد، اما چون در نگرش دولتمردان ما، ترامپ از بحران کرونا پیروز بیرون نخواهد آمد، لذا دشوار است که بتوان این گزینه را مورد توجه قرار داد. در مجموع، دشوار بتوان امیدوار بود که دولت در مدت باقی مانده و در پرتو شرایط موجود، تحولی جدی در سیاست خارجی ایجاد کند. بلکه باید به گام‌هایی کوچک، سیاستی تدریجی و آرام اندیشید که بتواند در کاهش فشارها، کنترل تنش‌ها، جلوگیری از وخامت اوضاع و احيانا درگیری در مسائل منطقه‌ای موثر افتد. اتفاقا این سطح از کنش، مورد توجه نظام هم هست و با مانع داخلی کمتری روبرو می‌شود.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- جوکار، علی قلی (۱۳۹۹)، «ما و سناریوهای احتمالی پس از کرونا در روابط بین‌الملل»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- ۲- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- ۳- رحمانی، سمیه و قاسمی، حمیدرضا (۱۳۹۹)، «بحران کرونا و مسئولیت حقوقی در ابعاد بین‌المللی»، کنفرانس بحران کرونا و مسئولیت‌های حقوقی و اخلاقی مربوط به رعایت سلامت همگانی.
- ۴- زرقاتی، سید هادی و همکاران (۱۳۹۷)، «بیوتوریسم و تاثیر آن بر امنیت شهروندان»، مجله جغرافیای اجتماعی شهری، ش ۱۳.
- ۵- شریفزاده، زهرا (۱۳۹۹)، «کرونا و رویدادهای ایجاد شده در عرصه نظام بین‌الملل»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- ۶- شمسنی غیاثوند، حسن و جهانگیری، سعید (۱۳۹۹)، «بررسی تاثیرات کرونا بر سیاست خارجی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، س ۱۱، ش ۲۴.
- ۷- مرادی پشت دربندری، محمدرضا (۱۳۹۵)، «بیوتوریسم و راهکارهای مقابله با آن با نگاهی به موازین حقوقی»، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۲، ش ۴.
- ۸- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵)، تحول در نظریه روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- ۹- مقتدر، هوشنگ (۱۳۸۵)، مباحثی پیرامون سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

لاتین:

- 1- Dashdorj, Zorig (2020). A New Version of Globalization May Emerge, Website: Austrian Economic Center <https://www.austriancenter.com/new-globalization-emerge>
- 2- Kardinal, Schönborn (2020). Werden Globalisierung korrigieren müssen <https://www.derstandard.at/story/2000116030870/kardinal-schoenborn-werden-globalisierung-korrigieren-muessen>.
- 3- Gen, Major and Frank, Johan (2020). COVID-19: Herausforderungen für die europäische Sicherheit und ausgewählte Krisenregionen, IFK, Institut für Friedenssicherung und Konfliktmanagement (IFK), Landesverteidigungsakademie, Wien:

http://www.fatt.at/Portals/0//BlogItems/PDF/ifk_monitor_62_covid_19_spezial_apr_0_web.pdf

4- Gärtner, Heinz (2020). Multipolare Welt hat Geist von Helsinki verloren, <https://www.umweltdialog.de/de/politik/Politik-Gesellschaft/Multipolare-Welt-hat-Geist-von-Helsinki-verloren.php>

5- Gen, Maj and Feichtinger, Walter (2020). Machtkampf der Systeme, Magazin: Wirtschaftsnachrichten Donauraum:

https://www.wirtschafts-nachrichten.com/wpcontent/uploads/2020/04/WND_0420.pdf

6- Schäferm, Sebastian and others (2020). COVID-19 in the Danube Region- resilience or reversion of european Integration?, Institut für Donauregion und Mitteleuropa (IDM): http://www.fatt.at/Portals/0//BlogItems/PDF/IDM_PPS_1_2020.pdf

